

## دانشگاه قم

و دانشگاههای دیگر ایران

ملك آشفته و ویران ، ملت پریشان فکر و نگران ، توانگران فارغ از امور وطن خویش در خانه ها و مهمانخانه های قشنگ اروپا و امریکا معتكف ، شریفان دانشمند از شغل های مهم برکنار ، فرومایگان بی دانش بر سر کارهای بزرگ ، اعتراض شاگرد بر استاد گریزها درست ، گله های این از آن همه بجا ، استاد از درس و بحث و مدرسه بیزار ، شاگرد از استاد و امتحان گریزان ، خلاصه ، کشوری گرفتار ، دیروز دستخوش بیداد و تزویر دو دولت و امروز بازیچه سه دولت و گرفتار سه نوع مکر و حيله و سیاست .

اینست وضع و حال ما در دنیائی که ملل آگاهش دائم در فکر و دست اندر کار کشف قوای طبیعت و اختراع ماشینها و دستگاههای عظیم قدرتمند و هر سال چندین هزار مقاله و رساله و کتاب معتبر بر اقیانوس نوشته های موجود میافزایند و استادان دلبسته بتحقیق و تدریس دارند ، دنیائی که در آن دو ملیون ، دو هزار هزار ، کارگر امریکائی فقط بکار ایجاد و تسخیر انرژی اتمی مشغولند و هم در این ایامست و بعلمت وجود این اوضاع و احوال که مینویسم دانشگاه<sup>۱</sup> قم از دانشگاههای قدیم و مهم این ملت بزرگست و دانشگاه قزوین و اصفهان و شیراز و مشهد و کرمان و سایر دانشگاههای ایران همه را باید بحساب آورد و از یکایک آنها باید فایده بیشتر خواست و منفعت بیشتر برد . اگر سفیر کبیر فرانسه از وزارت فرهنگ یا از « دانشگاه طهران » پرسد که ایران چند دانشگاه دارد و قدیمتر از همه کدامست جوابش چه خواهد بود ؟ مسلم آنست که « دانشگاه طهران » را با معرفی خواهند کرد با تاریخ تاسیس مخالف

۱ - باید گفت که « دانشگاه » از لغات بد ساخت فرهنگستان نیست ، اما ای کاشکی این همه لغت دانش دار از قبیل دانشکده و دانشجو و دانشیار نیساختند و در کار لغت سازی از زبان زرگری پیروی نمیکردند .

حقیقتش (۱۳۱۳ هجری شمسی) و محتملست که بگویند که در تبریز هم اخیراً دانشگاهی باز شده است. اما از دانشگاه قم و از سایر دانشگاههای این مملکت اسمی بمیان نخواهند آورد. دانشگاه قم را نابوده میگیرند، دانشگاهی را نادیده می‌انگارند که قرن‌ها از عمرش گذشته است و هم‌اکنون در آن بنظم، و ترتیبی نظیر نظم و ترتیب هر دانشگاه بزرگ معتبر عالم، چندین مجتهد و مدرس و چهار هزار طالب علم شب و روز بدرس و بحث و مطالعه و تلقین و تکرار مشغولند.

سبحان الله آیا کشوری که هنوز هم در هر شهر مهمش چندین مدرسه عالی قدیم دارای مدرس و شاگرد و در هر قبرستان کهنه‌اش گور چندین دانشمند و فقیه و طبیب و منجم و مورخ و مفسر و شاعر و حکیم هست غیر از این «دانشگاه طهران» دارالعلمی قابل ذکر ندارد؟ آیا هزار و سیصد و سیزده تاریخ بنای جدید قسمتی از دانشگاه طهرانست یا تاریخ دانشگاه؟ مگر نه بیش از یک قرن پیش، در عهد ناصرالدین شاه، بکوشش میرزاتقی خان امیر کبیر در طهران دارالفنون برپاگشت که در آن طب و دواسازی و معدن‌شناسی و فیزیک و شیمی و بسیاری از شعب علوم و فنون تدریس میشد؟ تاریخ ایجاد دارالفنون هم بحقیقت تاریخ تأسیس دانشگاه طهران نیست. اگر دانشگاه مجمع مدارس عالی و مجموع استادان و شاگردان مشغول بآموختن شعب علوم و فنون عالی باشد، پس برای یافتن تاریخ حقیقی دانشگاه طهران باید در وقایع ایام سلطنت نخستین پادشاه سلسله قاجار معان نظر کرد تا معین گردد که بعهد او در چه سال و در کدام مدرسه در طهران صرف و نحو و کلام و فقه و تفسیر و حدیث و تاریخ و منطق و فلسفه و طب و نجوم تدریس میشده است. تاریخی که از این طریق بدست آید تاریخ حقیقی دانشگاه طهرانست نه هزار و سیصد و سیزده شمسی و دانشگاه طهران باید جامع و شامل تمام مدرسه‌های عالی طهران باشد چه قدیم و چه جدید و آنچه امروز بغلط «دانشگاه طهران» خوانده میشود فقط قسمت نوساخت این دانشگاه صد و چهل پنجاه ساله است. مدرسه میرزا صالح و مدرسه میرزا ابوالحسن خان و مدرسه صدر و مدرسه دارالشفاء و مدرسه مادرشاه و مدرسه خان مروی و سایر مدارس،

قدیم پایتخت که اکنون برجا و از سالها پیش مسکن یا محل تدریس جمعی از اکابر فضایی ایران بوده است جزء دانشگاه طهران است.

امیدوارم که خواص ایران ناشناس ما لا اقل این قدر عقل داشته باشند که دانشگاه را چیزی از قبیل اتومبیل ندانند و نکویند که دانشگاه نیز هر چه نوتر بهتر.

\*\*\*

دانشگاه چیست؟ دانشگاه ترجمه université فرانسه است که خود از universitas لاتینی آمده و این کلمه که بمعنی تمام و کل و جهانست امروز، با جزئی اختلاف در طریقه تلفظ و نوشتن، در همه زبانهای فرنگی بمعنی دانشگاه بکار میرود ولیکن مفهومی همیشه یکی نیست. فی المثل در زبان فرانسه اگر بعد از کلمه دانشگاه اسم شهری باشد مقصود از دانشگاه مجموع مدارس عالی آن شهرست. اما اگر لفظ دانشگاه مطلق ذکر شود<sup>۱</sup> یا کلمه «فرانسه» بعد از آن بیاید منظور جمیع طبقات آموزگاران و دبیران و استادان منصوب دولتند که در مدارس ابتدائی و متوسطه و عالی فرانسه بتدریس مشغولند. پس کلمه دانشگاه را در «دانشگاه پاریس»<sup>۲</sup> يك معنى و در «دانشگاه فرانسه»<sup>۳</sup> معنى دیگر است و بحقیقت ترجمه صحیح Université de France بفارسی «آموزگاران و دبیران و استادان منصوب دولت» است نه «دانشگاه فرانسه».

در دانشگاه اکسفورد و کمبریج شاگرد باید در حجره یکی از مدارس - کالج - زندگی کند و اگر در مدرسه جا نباشد در خانه ای که سکونت در آن را دانشگاه اجازه داده باشد. هیچیک از کالجها مخصوص يك شعبه از علوم و فنون یا مسکن شاگردان همدرس نیست. مثلاً کسانی که در اکسفورد تاریخ میخوانند در مدرسه های مختلف زندگی میکنند و هم استادند نه هم کالج. روزگاری پاریس هم مدرسه شبیه کالج بسیار داشت ولیکن امروز در پایتخت فرانسه از آنها اثری نیست. از ۱۱۸۰ تا ۱۵۰۰ میلادی در پاریس بیش از پنجاه مدرسه هم نوع کالج بوجود آمد اما اکثر آنها بتدریج

(۱) L' Université

(۲) L' université de Paris

(۳) Université de France

از میان رفت و معدودی که مانده بود نیز در عهد انقلاب کبیر فرانسه نابود شد .  
 با وجود تفاوت‌هایی که در وسائل کار از قبیل کتابخانه و آزمایشگاه و در طریقه پذیرفتن شاگرد و تدریس و امتحان و رسیدن بدرجات گوناگون استادی میان دانشگاه‌های عالم هست بنیان تعریف دانشگاه در کتب لغت ملل مختلف فرنگی یکیست . آنرا دستگاهی میخوانند دارای حق صادر کردن تصدیقنامه ، جامع مدارس عالی و شامل استادان و شاگردان مشغول بآموختن شعب علوم و فنون عالی .

در یونان قدیم چیزی شبیه دستگاه دانشگاه وجود نداشته و چنانکه در جمیع کتب معتبر مذکورست دانشگاه در قرون وسطی بوجود آمده است . بر اثر مطالعه تاریخ دانشگاه‌های قدیم اروپائی این نکته بر هر خواننده مسلم خواهد گشت که وجود دارالعلم‌هایی از قبیل نسابور و بغداد و قرطبه و نیز جنگ‌های صلیبی که وضع و شریف ملل مختلف اروپا را بتعمدن و ثروت و مؤسسات ممالک اسلام آشنا کرد خود باعث نهضت علمی و ایجاد دانشگاه در اروپا شده و دانشگاه‌های مهم اروپائی همه بعد از دانشگاه نسابور و قم و اصفهان بوجود آمده است .

در مقاله «مؤسسات اسلامی»<sup>۱</sup> دائرة المعارف (دانشنامه) بریطانیا ، در قسمت راجع بتعلیم و تربیت ، نوشته شده است که شهرت و مایه افتخار طریقه تعلیم و تربیت اسلامی وضع دستگاه دانشگاهی آن بود . در مدارس بتدریج برای طلاب وظیفه نقدی و جنسی مقرر گشت و این رسم اول در نسابور بسال ۱۰۶۶ میلادی برقرار شد و دانشگاه‌های شهرهای دیگر هر چه زودتر پیروی از آن پرداختند . یکی از مهمترین خصائص دانشگاه‌های اسلامی سفر کردن طلاب و اهل علم بود «در طلب دانش» و باین طریق در سراسر قلمرو اسلام فضلا از صحبت یکدیگر بهره‌مند میشدند و وحدت فکری پاینده میماند . از عیوب ما یکی اینست که بیشتر وقت خود را بر سر کارهای باطل ضایع میکنیم . گاهی بر آنیم که نابوده را بوده و مطلب مشکل ثبوت را ثابت شده جلوه دهیم و هر سال بی هیچ دلیلی چندین سال بر تاریخ خود میافزائیم اما گاهی بواسطه ضعف نفس یا بعلت

(۱) Islamic institutions

نادانی و غفلت از افتخارات مسلم خویش چشم میپوشیم .  
تعریف امروزی دانشگاه شامل قدیمترین دانشگاه ما نیز هست ولیکن نمیدانم چرا دانشمندان هم بدانشگاههای قدیم موجود وطن خود عنایتی ندارند و بآنها مدد نمیرسانند و اسم آنها را در دفتر مفاخر این ملت بزرگ ثبت نمیکنند.

هیچیک از عیوب مدارس قدیم ایران را منکر نمیتوان شد اما این نکته را هم بیاد باید داشت که عیب و نقص دلیل عدم نیست . مگر آنچه امروز « دانشگاه طهران » خوانده میشود از عیب و نقص پاکست ؟ در اعلامنامه این دانشگاه که روز پنجشنبه ۱۷ مهر ماه امسال در روزنامه اطلاعات چاپ شده این کلمات درجست :

«... زیرا متأسفانه میزان معلومات دبلمه‌های متوسطه سال بسال پائین‌تر میرود تا جائی که میان آنها کسانی دیده شده‌اند که حتی سواد فارسی معمولی ندارند و از همین جهت دانشگاه بفرض اینکه وسائل کافی برای پذیرفتن عده نامحدودی داوطلب در اختیار داشته باشد نمیتواند و نباید افراد بیسواد و غیر مستعد را بپذیرد زیرا ورود آنها باین موسسه علمی جز انلاف وقت نتیجه ای نخواهد داشت ...»

آنچه باید گفت و نمیگویند اینست که در ایران فارسی دانستن شرط استادی هم نیست و توقع ما از شاگردان بی کتاب بی معلم سرگردان بی جاست چرا که اکثر « بزرگان » علم و ادب ما بدرد ایشان گرفتارند . باری قسمت نوساخت دانشگاه طهران باشاگردانی چنین و مشکلاتی عجیب که دارد معیوبست و ناقص اما ضعیف کردن این دستگاه نیز ، با همه عیب و نقصش ، جنایتست و خیانت . باید نگاهش داشت و عزیزش داشت و از شر دشمنش حفظ کرد و در اصلاحش کوشید و همه مدارس عالی قدیم طهران را بآن تاریخ حقیقی تأسیس قدیمترین مدرسه پایتخت را یافت و آنرا تاریخ دانشگاه طهران ملحق ساخت و شناخت و گفت و نوشت نه دو سیزده پهلوی هم را و این کار هم مطابق حقیقتست و هم موافق مصلحت .

طلاب و اهل فضل ممالک متمدن عالم نیز همه وقت چنین آرام و کم تعصب و معرفت خواه بی غل و غش نبوده‌اند . بعضی از دانشگاههای قدیم منظم معتبر امروز هم روزگاری نامنظم بوده است و نامعتبر . پس بعلمت نقصی که اکنون در مدارس قدیم و جدید ما هست از اصلاح آنها نباید مأیوس شد . شرح نزاع دائم طلاب مدرسه‌های

اکسفورد و کمبریج با اهل این دو شهر در جمیع کتب معتبر در جست و گاهی کار بجائی میکشیده است که طلاب باتفنگ و سلاحهای دیگر بجنگیدن می پرداخته اند. می آمدند و میزدند و میکشتمند و پس از کشتار میگریختند یا بست مینشستند.

داستان زنده سوزاندن مرتدان را همه میدانند و پیش از اصلاح دینی و ظهور مذهب پروتستان داشتن ترجمه تورا و انجیل بی اجازه ممنوع بود و دردانشگاههای قدیم ممالکی که امروز آسمانها و زیر و روی بروبحر را جولانگاه مخترعات گوناگون خود کرده اند مدتها در این بحث بوده است که در نوك يك سوزن چند فرشته میکنند.

دانشگاه سالرنو<sup>۱</sup> در ایتالیا که جمعی قدیمترین دانشگاه اروپا شمرده اندش قرنهای رونق و اعتبار داشت و مدرسه طبش مشهور عالم بود اما این دانشگاه کم کم نامنظم و محل صدور تصدیقنامه های بی با و نامعتبر شد چندانکه عاقبت ناپلیون در سال ۱۸۱۱ میلادی درش را بست.

هم در این ایام دانشگاه ازهر قبیل بسیارست. در امریکا، سرزمین دانشگاههایی در خوبی شهره آفاق مانند کولومبیا و هاروارد و پرینستون، بشهادت مستر گنر نویسنده مشهور امریکائی مؤلف کتاب معروف «اندرون امریکا»<sup>۲</sup> در دانشگاه اوهایو، یکی دیگر از دانشگاههای بنام این مملکت، مواد ذیل نیز جزء برنامه درسهای دانشگاهست: بستنی سازی، موجبات و عوامل مؤثر در زناشویی موافق دلخواه، مبادی زبان روسی، تشریح اسب<sup>۳</sup>

\*\*\*

گشودن این گره که در کار ماست جز از طریق جمع آوردن تمام قوای مادی و معنوی و شناختن و متفق کردن همه طبقات ملت ایران بهیچ وسیله دیگر ممکن نیست. طلاب قم و قزوین و اصفهان و شیراز و نسا بور و یزد و سایر شهرهای ایران نیز هموطن

(۱) Salerno

(۲) Inside America

(۳) صفحه ۴۵۵

شما و منند و این مدرسه‌های قدیم، این دارالعلمهای کهن، همه میراث و مایه فخر و عزت ماست و هیچ معلوم نیست که بچه‌عذری و بهانه‌ای دانشگاههای موجود و شاگردان و استادان شان را نادیده گرفته ایم و اسم و عددشان را در سالنامه‌ها و گزارشها و کتابهای فرهنگی درج نمیکنیم. بخلاف تصور مشتی جاهل کوتاه نظر این مدرسه‌های قدیم فقط فقیه پرور نیست.

حکما، شعرا، اطبا، منجمان، دبیران، مستوفیان، مفسران، هر مؤلف دانشمند، هر مترجم زبردست، هر مصنف بزرگ، هر مورخ عالمقام، خلاصه، بزرگان علم و ادب ایران همه پروردگان این مدارسند. راستست که فقه با جمیع مقدمات و توابع و لواحقش یکی از دروس مهم بشمارست اما هم از ابتدا یعنی قرن‌ها در این دارالعلمها هر موضوع مربوط بشعب علوم و فنون از قبیل ریاضیات، طبیعیات، فلسفه، طب، نجوم، جغرافیا، تاریخ، ادبیات نیز تدریس شده و آداب و سنن و طریقه تعلیم و تعلم این دانشگاهها حجره بحجره، شاگرد بشاگرد، مدرس بمدرس، بما رسیده است.

بی مناسبت نیست که در اینجا خطی چند از کتاب دراز اسم « بعضی مثال النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض » تصنیف عبدالجلیل قزوینی رازی درج گردد. این کتاب نفیس هشتصد سال پیش از این نوشته شده و امسال با مقدمه و تعلیق و مقابله و تصحیح فاضل محقق آقای سید جلال‌الدین حسینی ارموی معروف به محدث در طهران منتشر گشته است :

« آنکه گفته : بروز کار سلطان ملک شاه و سلطان محمد قدس الله ارواحمان نکنداشتندی که شیعیان مدرسه و خانقاه بسازند .  
 اما جواب این کلمه که از وجوه دفع مضرت گفته است آنست که نمیدانم که بکدام بقعه اشارت میکنند . اگر بتعداد مدارس سادات مشغول شویم در بلاد خراسان و مازندران و شهرهای شام از حلب و غیر آن و بلاد عراق چون قم و آبه و کاشان که مدارس چندست و کمی فرموده است و اوقاف چند دارد طومار است و کتاب خواهد اما از برای دفع شبهت اشارت برود . بشهر ری که منشأ و مولد این قائل است اولاً مدرسه بزرگ سید تاج‌الدین محمد کیکی رحمه الله علیه بکلامه دوزان که مبارک شرفی فرموده است و قریب نود سالست که معمور و مشهورست ... نه در عهد طغرل بزرگ سقا الله رحمه کردند و در آنجا مدرسه شمس الاسلام حسکا بابویه که پیر این طایفه بود که نزدیکست بسرای ایالت ... نه در عهد این دو سلطان کردند و دیگر مدرسه‌ای که میان این دو مدرسه است که تعلق سادات کیکی دارد ... نه هم در عهد سلطان محمد نورالله قبره فرموده اند و مدرسه‌ای بدر و اژه آهین که منسوبست بسید زاهد ابوالفتوح نه هم در عهد دولت ملکشاهی ساختند و مدرسه فقیه علی جاستی بکوی اصفهانیان که خواجه میرک فرموده است که بدان تکلف مدرسه در هیچ طایفه‌ای نیست و سادات دارند ... نه در عهد سلطان سعید ملکشاه فرمودند ... و مدرسه خواجه عبدالجبار

مفید که چهارصد مرد فقیه و متعلم و متکلم از بلاد عالم در آن مدرسه شریعت آموختند نه در عهد مبارک سلطان ملکشاهی و روزگار بر کیارقی رحمة الله علیهما کردند ... و مدرسه کوی فیروزه نه در عهد این سلاطین بنیاد کردند ... و مدرسه خواجه امام رشید رازی بدروازه جاروب بندان که دروی زیاده از دوست دانشمند معتبر درس دین و اصول فقه و علم شریعت خواندند که علامه روزگار خویش بودند نه در عهد دولت سلطان سعید محمد رحمة الله علیه کردند که هنوز معمور است و مسکون و در آن چادرس علوم میخوانند و هر روز ختم قرآن و منزل صلحا و فقهاست و کتب خانه هادارد و بهمة انواع مزین است و مدرسه شیخ حیدر مکی بدر مصلی گمانه هم در عهد سلطان محمد رحمة الله علیه کردند و همه با اشاره امثلة سلاطین و مدد نواب و شجنگان ایشان بود ... و بیرون از این که شرح داده آمد در شهر ری چند مدرسه معموره است ... که در عهد سلاطینی کرده اند که خواجه اشارت کرده است در کتاب که شیعه نیارستند کردن مدارس و مساجد در زمان ایشان و مساجد و منابر سادات شیعه را خود حدی نیست از بزرگ و کوچک که بذکر همه کتاب مطول شود ... (۱)

» ... معلومست در شهر قم که همه شیعه اند آنرا اسلام و شمار دین و قوت اعتقاد چگونه باشد از جوامع که بوالفضل عراقی کرده است بیرون شهر و آنچه بهاء الدین کمال ثابت کرده است در میان شهر از مقصوره های بازینت و منبرهای بانگلف و مناره های رفیع و کراسی علما و نوبت عقود مجالس و کتب خانه های مله از کتب طوایف و مدرسه های معروف معمور چون مدرسه سعد صلت و مدرسه اتیر الملک و مدرسه سید سعید عزالدین مرتضی قدس الله روحه و مدرسه سید امام زین الدین امیره شرف شاه الحسینی که قاضی و حاکم است ... و مدرسه ظهیر الدین عبدالعزیز و مدرسه اشتاد ابوالحسن کبیچ و مدرسه شمس الدین مرتضی باعدت و آلت و مدرس و درس و مدرسه مرتضی کبیر شرف الدین بازینت و آلت و حرمت و قبول و غیر آن که بذکر همه کتاب مطول شود و مساجد بیدر و مقریان فاخر عالم بقرآن و مفسران عارف بمنزلات و مؤولات و ائمه نحو لغت و اعراب و تصرف و شعرای بزرگ و فقها و متکلمان از اشلاف باخلاف رسیده و زهاد متعبد ... (۲)

» ... و کاشان بحمد الله و منه منور و مشهور بوده همیشه و هست بزینت اسلام و نور شریعت و قواعد آن از مسجد جامع و دیگر مساجد با آلت و عدت و مدارس بزرگ چون مدرسه صفویه و مجدیه و شرفیه و عزیزیه بازینت و آلت و عدت و اوقاف و مدرسین چون امام ضیاء الدین ابوالرضا فضل الله بن علی الحسینی عدیم النظیر در بلاد عالم بعلوم و زهد و غیر از ائمه و قضاة و کثرت فقها و مقریان و مؤذنان و عقود مجالس و تربیت علماء سلف ...

» اما آبه اگر چه شهری بصورت کوچک است اما بحمد الله و منه بقعه بزرگوار است از شعار مسلمانی ... و دروی دو جامع معمور کبیر و صغیر ... و مدرسه عز الملکی و عرب شاهی معمور با آلت و عدت و مدرسان چون سید ابوعبدالله و سید زین الدین ابوالفتح حسینی و عالمان باورع و مجالس علم و وعظ متواتر ...

» اما در امین اگر چه دیهست بمنزلات از شهرها باز نماند آنرا شریعت و انوار اسلام از طاعات و عبادات و خیرات و احسانی که آنجا ظاهر است از برکات رضی الدین ابوسعید اسعد الله فی الدارین و پسران او از بنیاد مسجد جامع و خطبه و نماز و مدرسه رضویه و فتحیه با اوقاف معتد و مدرسان عالم متدین و فقهارا طالب مجد و خیرات ایشان ...

» اما سبزوار بحمد الله و المنة ملء از اسلام و شریعت است و آراسته بمساجد نورانی و مدارس نیکو و علماء که خلفاً عن سلف طریقه شریعت آموخته ... (۳)

۱ - از صفحه ۴۶ تا ۵۰

۲ - صفحه ۱۶۳ و ۱۶۴

۳ - از صفحه ۱۶۸ تا ۱۷۴



... و آنچه گفته است مادر کتب ایشان دیده‌ایم و خوانده‌ایم بحمدالله تعالی کتب شیعه اصولیه ظاهر و باهرست و بیرون از آنکه در سربایهای ایشان باشد نسختهای بسیار در کتب خانهای بلاد اسلام نهاده است بری در کتب خانه صاحبی و باصفهان در کتب خانه بزرگ و بساوه در کتب خانه بو طاهر خواتونی و بهمه شهرهای عراق و خراسان و بغداد معروف و مشهور، مستغنی از آنکه بدان حواله و اشارت کنند بسرای کسی ... (۱)

شرح و وصف دانشگاه‌های ایران، کوچک و بزرگ، قدیم و جدید، آنچه اکنون در ایران امروز و در خارج ایران هست و آنچه دیروز در ایرانی بزرگتر بود، دانشگاه‌های کاشان و دانشگاه اصفهان، نظامیه بغداد و دانشگاه شهر بزرگ از میان رفته‌ری، دانشگاه‌های کهن هزار و دوست سیصد ساله نسا بور و قم و دانشگاه جدید صد و چهل پنجاه ساله طهران، موضوع این مقاله نیست و خود کتابی مفصل می‌خواهد. آنچه از «کتاب النقص» نقل شد مختصریست در باب مدرسه‌ها و کتابخانه‌های شیعه، بیشتر ساخته عهد ملک‌شاه و سلطان محمد سا جو قی، نه همه مدارس شیعیان که پیش از ایام سلطنت ایشان بوجود آمده، نه در سراسر ملک ایران، فقط در چهار پنج ولایت و در روزگاری که سنی چندین برابر شیعی بود.

این مختصر نوشته شد تا منکران و غافلان هم بدانند که دستگاه علم پروری وطن ما قدیمتر و بزرگتر از آنست که هیچ ایرانی عاقل نکته‌دانی بتواند آنرا نادیده بگیرد. این مملکتیست که هشتصدسال پیش از این ورامین «اگرچه دیهیبست» مدرسه رضویه و مدرسه فتحیه «با اوقات معتمد و مدرسان عالم متدین و فقهای طالب» و ساوه کتابخانه معروف بو طاهر خاتونی داشته و در شهرری بعهد سلطنت دو پادشاه نه مدرسه، همه خاص شیعیان، بنا شده است. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

طوفان حمله مغول هم این چراغ همیشه روشن را خاموش نکرد. چراغ کم نور شد اما نمرود. تندبادی که ناگهان آمده بود بتدریج فرونشست و باز این مات بجنب و جوش افتاد و مدرسه و کتابخانه ساخت چندانکه در سراسر ایران شهری مهم و قدیم نیست که در آن دانشگاهی نباشد.

سلسله‌ای هست در این ملک تنها بر اهل نظر هویدا که مدارس و دانشگاه‌های ما را بهم پیوسته است. مدرسه معیر و مدرسه خان مروی، پرورشگاه فکری و علمی

میرزا محمدخان قزوینی در طهران، دو حلقه است از این زنجیر که آنها را بقدمترین مدرسه نساپور و قم و اصفهان وصل میکند و در این سرزمین نوری هست جاویدان که بردلهای معرفت خواه میتابد و قزوینی یکی از روشندان همعصر ما بود که روحش بارواح پاک حاج ملاهادی سبزواری و شیخ بهائی و خواجه نصیرالدین طوسی پیوست. پرتو این فروغ ایزدی که در ایرانست بکشورهای دیگر نیز قرنها روشنائی بخشیده است. شرح تأثیر فرهنگ ایران در ممالکی از قبیل هند و ترکیه در يك کتاب هم نمیکنجد و چنان مینماید که ایران در سراسر عالم یگانه کشور است که گذشته از دانشگاههای خود، در مملکتی دیگر، در ملک عراق، چهار دانشگاه بزرگ دارد: دانشگاه نجف و کربلا و کاظمین و سرمن رای. این دانشگاههای ایرانی خارج از ایران که شاگرد و مدرس و مجتهد یکایک آنها با ما هموطنند از چند قرن پیش تا امروز، مانند سایر دانشگاههای ایران، برای وطن غزالی چندین هزار مبلغ و محدث و پیشنماز و فقیه و مدرس و محقق و رساله نویس و شارح و مفسر و مجتهد و ادیب و حکیم پرورده است و بزرگان علم و ادب ایران همه در دانشگاههای قدیم یا نزد استادانی پرورده این دانشگاهها درس خوانده و بر موزود قائق علوم و فنون پی برده اند.

از خواننده این کلمات میپرسم که آیا نابوده گرفتن این دانشگاههای قدیم موجود بر عزت و شهرت ما می افزاید و اگر علماء و ادبا و شعرا و نویسندگان و سیاستمداران فرانسه و آلمان و امریکا و روس و چین و سایر ممالک روی زمین بدانند که ایران غیر از «دانشگاه طهران» چندین دانشگاه دارد نماینده ما را در کنفرانسهای علمی و ادبی و فنی و سیاسی و اقتصادی پایین تر خواهند نشاند و کمتر محترم خواهند داشت؟

پشت پازدن بمفاخر ملی و دوری گزیدن از هموطنانی که همدرد و همدشمن شما و منند چه فایده دارد؟ ما همه يك دشمن بزرگ داریم و آن جهلست و کسانیکه خود را داناتر و مجربتر از دیگران میپندارند و بعالم و فنون جدید آگاهند و دارالعلمهای بزرگ عالم را دیده و در آنها درس خوانده اند، بشکرانه این نعمتها که یافته اند چه کرده اند و برای جمع آوردن تمام قوای مادی و معنوی و متفق ساختن جمیع طبقات این ملت و علی الخصوص برای جنگیدن با جهل، این خصم بزرگ، چند قدم پیش رفته اند؟ (نا تمام)